

انقلاب: نه تروتميز، نه خوشگل و نه سريع

پت پارکر در سال ۱۹۸۰ گفته بود: «دیدن اینکه چگونه منافع شرکت‌های نفت در رابطه ما با شاه ایران نقش ایفا کرد، پیچیدگی سیاسی زیادی نمی‌طلبید. مردم ایران استعمار شدند تا آمریکایی‌ها سوار هیولاهای تشنه سوخت شوند. و این احتمالاً بخشی از امپریالیسم است که ما در فهمش مشکل داریم.» سخنرانی پیش‌رو از این شاعر و فعال لژیون سیاه آمریکایی به مسأله انقلاب و همبستگی انترناسیونالیستی می‌پردازد.

پت پارکر



پت پارکر ۱۹۸۰: «انقلاب. نه تروتميز نه خوشگل و نه سريع است. يك فرايند طولاني كنيف است.» تصوير از شاعر استاك

۱۴۴۲

من در کنفرانس‌های زیادی شرکت داشتم. گردهم‌آیی قانون اساسی مردم (People's constitutional) در واشنگتن، کنفرانس زنان درباره خشونت در سان‌فرانسیسکو، کنفرانس لژیون در لس‌آنجلس، تریبونال بین‌المللی درباره جنایت علیه زنان در بلژیک. به کنفرانس‌های زیادی رفتم که نمی‌توانم نام همه آن‌ها را بیاورم و بسیاری از آنها را می‌خواهم فراموش کنم، اما تا به حال با این میزان توقع و حس ضرورت در کنفرانسی شرکت نکرده‌ام.

ما در زمانه‌ای بحرانی هستیم. نیروهای امپریالیستی در جهان با مشکلات جدی مواجه شده‌اند؛ آنها دیگر نمی‌توانند با زور تهدید، دنیا را کنترل کنند؛ و بی‌تاب شده‌اند و باید هم بی‌تاب باشند. کاری که ما این آخر هفته اینجا می‌کنیم و دستاورد ما در این کنفرانس می‌تواند تأثیرگذار باشد و در اینکه آیا زنان بار دیگر می‌توانند نه تنها در این کشور بلکه در همه دنیا دور هم جمع شوند، نقش ایفا کند.

ما با بحرانی‌ترین دوران در تاریخ جهان مواجهیم. ابرقدرت‌ها نمی‌توانند ببینند که ما نیروهایمان را جمع کنیم و فعالیت کنیم تا زمین را از شر آنها خلاص کنیم و ما استطاعت این را نداریم که متوقف شویم.

برای اینکه موقع ترک این محل آماده باشیم که با یک نیروی قدرتمند علیه امپریالیسم مبارزه کنیم باید فهمی واضح از چستی امپریالیسم و چگونگی بروز آن در زندگی‌هایمان داشته باشیم. برای فهم سرشت امپریالیسم شاید آسانتر باشد که ببینیم چگونه این کشور با سایر کشورها برخورد می‌کند. دیدن اینکه چگونه منافع شرکت‌های نفت در رابطه ما با شاه ایران نقش ایفا کرد، پیچیدگی سیاسی زیادی نمی‌طلبید. مردم

ایران استثمار شدند تا آمریکایی‌ها سوار هیولاهای تشنه سوخت شوند. و این احتمالا بخشی از امپریالیسم است که ما در فهمش مشکل داریم.

بقیه جهان استثمار می‌شود تا استاندارد زندگی ما تضمین کند. ما که ۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهیم ۴۰ درصد نفت دنیا را مصرف می‌کنیم.

به عنوان ضدامپریالیست‌ها ما باید برای نابودی همه دولت‌های امپریالیست تلاش کنیم؛ و باید متوجه شویم که با این کار عمیقا استاندارد زندگی را که اکنون داریم از آن لذت می‌بریم تغییر خواهیم داد. ما نمی‌توانیم از یک طرف درباره انقلاب کردن در این کشور صحبت کنیم و در عین حال حاضر نباشیم نوارهای ویدئو و خودروهای تفریحی‌مان را از دست بدهیم. یک ضدامپریالیست استثمار طبقه کارگر را می‌فهمد، می‌فهمد که برای اینکه سرمایه‌داری کار کند باید درصد مشخصی بیکار باشند. ما باید همچنین دوستانمان و دشمنانمان را بر اساس رویکردشان نسبت به امپریالیسم مشخص کنیم.

در این زمانه، ابرقدرت‌ها در وضعیت افول قرار دارند. ایرانیان برخاستند و به امپریالیسم آمریکا نه گفتند؛ افغان‌ها و اربتره‌ای‌ها به امپریالیسم اجتماعی شوروی نه گفتند. شرایط بحرانی شده و تنها دستاویزی که باقی مانده جنگ جهانی بین آمریکا و شوروی است. هر روز به ما هشدار می‌دهند که جنگ قریب‌الوقوع است. برای برخی افراد هیچ تغییر معناداری جز تشدید [درگیری‌ها] رخ نمی‌دهد. سیاهان، سفیدان فقیر، شیکانوها (مکزیک‌ها)، و سایر مردم تحت ستم در این کشور پیشاپیش می‌دانند که در حال جنگ هستیم.

و سایر مردم کشور هم در حال آماده‌شدن هستند. رسانه‌ها با بیانیه‌های وطن‌دوستانه درباره گروگان‌های «ما» و «ما» در ایران، بمباران‌مان کرده‌اند. دولت مدام دارد تعهد ما به متحدانمان در اسرائیل را یادآوری می‌کند. صفحات نمایش ما مملو از تبلیغاتی است که دعوت‌مان می‌کند تا به آن گروه برگزیده، آن گروه منتخب، نیروی دریایی بیپوندیم یا با نیروی هوایی پرواز کنیم و غیره.

و اینجا متوقف نمی‌شود. سیستم نقشه‌های مودبانه دارد. بر حسب تصادف نیست که «نیروی راست» این کشور بسیج شده است. منابع رسانه‌ای با فعالیت حزب نازی و اخبار ک ک ک ما را بمباران می‌کنند. اما ما که در جنبش حقوق مدنی (سیاه‌پوستان آمریکا) فعال بودیم با این تاکتیک‌ها آشنا نیستیم. ما افشای ماموران اف‌بی‌آی که نه تنها در کو کلاکس کلن (ک ک ک) نفوذ کرده بودند بلکه حتی با آنها کار می‌کردند و فعالیت‌هایشان را رهبری می‌کردند به یاد می‌آوریم. و ما یک لحظه هم فریب این بازی‌دادن‌ها را نمی‌خوریم.

دیدن اینکه چگونه منافع شرکت‌های نفت در رابطه ما با شاه ایران نقش ایفا کرد، پیچیدگی سیاسی زیادی نمی‌طلبد. مردم ایران استثمار شدند تا آمریکایی‌ها سوار هیولاهای تشنه سوخت شوند. و این احتمالا بخشی از امپریالیسم است که ما در فهمش مشکل داریم.

پت پارکر

ک ک ک و نازی‌ها دشمن‌های ما هستند و باید متوقفشان کرد اما صرف اینکه برای متوقف کردن آنها بسیج شویم کافی نیست. آنها آلت دست هستند، ابزارهای این نظام دولتی. آنها به همان شیوه‌ای عمل می‌کنند که نیروهای مسلح ما و پلیس. متوقف کردن فعالیت ک ک ک یا نازی‌ها به امپریالیسم پایان نمی‌دهد. به نژادپرستی نهادی پایان نمی‌دهد؛ به سکسیسم پایان نمی‌دهد؛ این هیولا را به زیر نمی‌کشد، و ما نباید فراموش کنیم اهدافمان چیست و دشمنانمان چه کسانی هستند. صرف اینکه به این افراد برچسب اقلیت تندرو بزنیم و به دقت نقش‌های آنها را به عنوان بخشی از این سیستم نسنجیم، یک خطای مهلک است. این آدم‌ها کارهای کثیف را انجام می‌دهند. آنها بازوها و پاهای نمایندگان کنگره، تاجر و کمیسیون سه جانبه [بین آمریکا، اروپای شمالی و اروپا] هستند.

و پیامشان در حال آشکار شدن است. یک آمریکایی خوب باش - از ثبت‌نام برای سربازی حمایت کن. معادله‌ای پیش چشم ما ارائه می‌شود. آمریکایی خوب برابر است با حمایت از امپریالیسم و جنگ. در پاسخ به آن باید اعلام کنم - من یک آمریکایی خوب نیستم. من نمی‌خواهم دنیا استثمار، بمباران و غارت شود تا بتوانم استیک بخورم.

من هر پیروزی آزادی‌بخش ملی را تحسین و حمایت می‌کنم. ما با این پیروزی‌ها هر بار یک قدم به پایان جنونی نزدیک می‌شویم که بر ما سایه افکنده است. ما با هر پیروزی زنجیرهایی را که جهان را به بند کشیده، سست‌تر می‌کنیم.

با این همه حمایت از مبارزان آزادی‌بخش ملی به تنهایی کافی نیست. ما باید فعالانه درون محدوده‌های این کشور بچنگیم تا آن را سرنگون کنیم. من نمی‌خواهم که سایر ملیت‌ها کار کثیفی را که برعهده من است انجام دهد. من می‌خواهم مردم ایران آزاد باشند. می‌خواهم مردم پورتو ریکو آزاد باشند، اما من یک فمینیست انقلابی هستم چون می‌خواهم آزاد باشم. و این موضوع برای من به شدت مهم است که شمایی که اینجا هستند، تعهد شما به انقلاب بر پایه این واقعیت است که می‌خواهید انقلاب برای شما رخ دهد.

برای اینکه انقلاب ممکن شود و انقلاب ممکن است، باید به دست فقرا و مردم طبقه کارگر این کشور رهبری شود. به نفع ما نیست که بخشی از این سیستم باشیم. و هر چه نسبت به ستمی که بر ما می‌شود آگاه‌تر شویم گرایش‌های کمتری به ادغام [در سیستم] و تغییر مسیر خواهیم داشت. ما می‌دانیم و می‌فهمیم که ستم نسبت به ما فقط به خاطر مسئله ملیت نیست بلکه مردم طبقه کارگر و فقیر در سرتاسر دنیا از سوی قدرت‌های امپریالیستی مورد ستم واقع می‌شوند.

ما به عنوان زنان با ستمی ویژه مواجه هستیم، نه در خلا بلکه به عنوان بخشی از این سیستم فاسد. مسائل زنان به طبقه کارگر نیز تعلق دارد. اگر این موضوع را نفهمیم، جنبش زنان به خود اجازه داده است که ادغام و از مسيرش منحرف شود.

پت پارکر

ما به عنوان زنان با ستمی ویژه مواجه هستیم، نه در خلا بلکه به عنوان بخشی از این سیستم فاسد. مسائل زنان به طبقه کارگر نیز تعلق دارد. اگر این موضوع را نفهمیم، جنبش زنان به خود اجازه داده است که ادغام (co-opted) و از مسيرش منحرف شود.

برای من به عنوان یک فمینیست انقلابی قابل تصور نیست که برخی زنان آزادی خواه این ایده را مطرح می کنند که زنان در صورتی که متمم حقوق برابر (ERA) تصویب شود، به خدمت سربازی می روند. این مثالی روشن از نفهمیدن امپریالیسم و عدم جهت گیری سیاسی برای تخریب آن است. اگر تصویب متمم حقوق برابر به معنای آن است که من هم به نوبه خود در استعمار جهان مشارکت می کنم؛ که من قرار است علیه مردم جهان سوم سلاح به دست بگیرم، علیه مردمی که برای بازپس گیری آنچه که در واقع به خودشان تعلق دارد، مبارزه می کنند - در این صورت می گویم حقوق برابر مدنی به درک.

اینکه «انقلاب چیست؟» یکی از پرسش های سخت فهم برای ما است. شاید به این خاطر که جنون رسانه های «آرایش چشم انقلابی و تامپون های انقلابی» سال های زیادی با ما بوده است. شاید سال های طولانی فانتزی هالیوودی را یک می کشیم که در آن مرد انقلابی دشمنانش را می کشد و در غروب آفتاب به آغوش زن انقلابی اش که در انتظار بازگشت اوست بازمی گردد. و این پایان قصه است.

واقعیت این است که انقلاب یک فرایند یک قدمی نیست: تو مبارزه می کنی - پیروز می شوی - پایان. سال ها طول می کشد. خیلی بعد از آنکه دود آخرین سلاح ناپدید می شود مبارزه برای ساختن جامعه ای بی طبقه، که در آن ردی از سکسیسم و نژادپرستی نیست، ادامه خواهد داشت. ما مثال های زیادی از جوامع معاصرمان داریم که انقلاب مسلحانه موفقی داشته اند. و هیچ مثالی نداریم که هیچ کدام از این کشورها فرایند انقلابی خود را کامل کرده باشند. آیا روسیه اکنون جامعه ای است که مارکس و لنین در سر می پیروانند؟ آیا چین جامعه رویایی مانو است؟ قبل و بعد از انقلاب مسلحانه باید آموزش، تحلیل و مبارزه دنبال شود. و گرنه، و حتی با وجود [ادامه فرایند انقلابی]، کودتاها، ضدانقلاب و بازنگری (revision) در پی خواهد بود.

توهم دیگر این است که انقلاب تروتسکیست است. نه تروتسکیست نه خوشگل و نه سریع است. یک فرایند طولانی کثیف است. ما با تصمیم هایی مواجه می شویم که آسان نیست. باید با احتمال مرگ دوستان و خانواده مان مواجه شویم. باید با تصمیم برای کشتن اعضای نژاد خودمان مواجه شویم.

توهم دیگری که در این کشور به آن مبتلا شده ایم این است که فقط یک گروه از جمعیت می تواند انقلاب کند. سیاهان به تنهایی نمی توانند در این کشور انقلاب کنند. بومیان آمریکا نمی توانند به تنهایی در این کشور انقلاب کنند. شیکانوها در این کشور نمی توانند تنها انقلاب کنند. آسیایی ها در این کشور نمی توانند تنها انقلاب کنند. سفیدان در این کشور نمی توانند به تنهایی انقلاب کنند. زنان به تنهایی نمی توانند در این کشور انقلاب کنند. گی ها در این کشور نمی توانند به تنهایی انقلاب کنند. و هر کسی که تلاش کند موفق نخواهد شد.

با این همه به شدت مهم است که زنان در این مبارزه رهبری کنند. و منظورم این نیست که راه را برای رسیدن به ماشین قهوه ساز هموار کنند. یکی از کارهایی که این آخر هفته بر عهده ما است این است که درباره جهت حرکتمان تصمیم بگیریم. من اول می گویم که بیایید جنبش مان را بازپس بگیریم. مدت های مدید است که دارم می بینم سفیدهای طبقه متوسط به عنوان رهبران ما در جنبش زنان معرفی می شوند. بارها شنیده ام که جنبش زنان یک جنبش سفید طبقه متوسطی است.

همزمان که باید مبارزات آزادی بخش ملی مردان و زنان را بفهمیم و از آنها حمایت کنیم، چپ باید به وفاداری پابرجایش به خانواده هسته ای پایان دهد. برای زنان طبقات بالاتر و متوسط نیز دشوار است که تعهد خود به خانواده هسته ای را کنار بگذارند، اما خانواده هسته ای یک جزء اساسی سرمایه داری است و برای حرکت به سمت انقلاب باید نابود شود.

پت پارکر

من یک فمینیست هستم. نه سفیدم و نه متعلق به طبقه متوسط. و زنانی که با آنها کار کرده ام شبیه من هستند. با این حال به من می گویند که وجود نداریم، که ما وجود نداشته ایم. حالا می فهمم که نژادپرستی و برتری طبقاتی برخی زنان در جنبش مانع از آن شده که من و مردم شبیه من را ببینند. اما متوجه هستم که با کمک رسانه، بسیاری از زنان طبقه متوسط مرئی شده اند. و این به آنها فرصتی داده است که از مهارت هایشان که به خاطر امتیازاتشان کسب کرده اند برای هدایت جنبش به سمت مزخرفات اول اصلاح طلبانه و حالا ضدانقلابی بهره ببرند.

این زنان در دام برجسب های سرخ و لژین افتادند و به این طریق عناصر پیشروی جنبش زنان را به حاشیه رانده و از آن چشم پوشی کردند. و من به شخصه دیگر حاضر نیستم که گروهی ابله اصلاح طلب خودمخو را تماشا کنم که به ناپودی خواسته های زنان صاحب فکر و انقلابی ادامه می دهند. شما و من جنبش زنان هستیم. ما باید رهبری و جهت این جنبش را رقم بزنیم.

مسئولیت بازسازی و احیای رویاهای دهه هفتاد و بدل کردن آن به واقعیت دهه ۸۰ به ما سپرده شده است. مسئولیتی که آسان نیست. همزمان که باید عناصر اصلاح طلبانه را از جنبش مان پاک کنیم، ناچاریم به مبارزه خود با چنگ و دندان همراه با برادران و خواهران چپ ادامه دهیم. به این خاطر که در واقعیت همه ما «مجموعه جامعه سرمایه دارانه رو به انحطاط» هستیم.

همزمان که باید مبارزات آزادی‌بخش ملی مردان و زنان را بفهمیم و از آن‌ها حمایت کنیم، چپ باید به وفاداری پایرجایش به خانواده هسته‌ای پایان دهد. برای زنان طبقات بالاتر و متوسط نیز دشوار است که تعهد خود به خانواده هسته‌ای را کنار بگذارند، اما خانواده هسته‌ای یک جزء اساسی سرمایه‌داری است و برای حرکت به سمت انقلاب باید نابود شود. و واقعا منظورم نابودی است. مردان چپ خیلی از زنان را با فغان نسل‌کشی فریب دادند و باور کرده‌اند که بچه‌داری امری انقلابی است. درباره مسئله سقط جنین، من از پیش‌فرض‌های مردان‌جا خوردم. سوال این است که آیا ما اختیار بدن‌های خودمان را داریم یا خیر که به نوبه خود به معنای کنترل داشتن بر اجتماع و رشد آن است. من بر این باورم که زنان سیاه‌پوست به اندازه زنان سفید‌زنگ هستند و ما می‌دانیم که چه زمانی بچه‌دار شویم یا نشویم. و نمی‌خواهم هیچ مردی با هر رنگ پوستی به من بگویند که چه زمانی و کجا بچه‌دار شوم. تا زمانی که زنان محصور خانواده هسته‌ای هستند ما نمی‌توانیم به شکلی موثر به سمت انقلاب حرکت کنیم. و اگر زنان به جنبش در نیایند، انقلاب رخ نخواهد داد.

کار آسانی پیش رویمان نیست. در این کنفرانس اختلافاتی خواهیم داشت؛ عصبانی خواهیم شد؛ دعوا خواهیم کرد. این خوب است و باید از آن استقبال کنیم. اینجا جایی است که باید اختلافاتمان را بیان کنیم اما اینجا جایی هم هست که باید دست به کار ساختن شویم. برای اینکه در این دنیا دوام بیاوریم باید نسبت به تغییر آن متعهد شویم؛ نه اصلاحات که انقلاب کنیم. اینجا جایی است که جنبش جدید زنان را می‌سازیم، جنبشی که به راحتی از سوی خوک‌های رسانه و عاملان این نظام حيله‌گر امپریالیستی ادغام نمی‌شود و به بیراهه نمی‌رود. اینجا جایی است که نیروی انقلابی زنان را می‌سازیم. جودی گرن در شعر «او همان» (She Who) می‌گوید «وقتی او همان که حرکت می‌کند، زمین زیر او می‌شود». شما و من «او همان» هستیم و اگر جرات مبارزه، جرات پیروزی داشته باشیم، زمین زیر او خواهد شد.

بیشتر بخوانید:

این مطلب را پسندیدید؟ کمک مالی شما به ما این امکان را خواهد داد که از این نوع مطالب بیشتر منتشر کنیم.

آیا مایل هستید ما را در تحقیق و نوشتن تعداد بیشتری از این‌گونه مطالب یاری کنید؟

از ما حمایت کنید

در حال حاضر امکان دریافت کمک مخاطبان ساکن ایران وجود ندارد

[توضیح بیشتر در مورد اینکه چطور از ما حمایت کنید](#)